

# نرمش از ما گستاخی از طالبان!

## جعفر گلابی

سیاست آنجا که به بقا گره می‌خورد خیلی زود آموخته می‌شود و کسانی هم که از دل غارها و کوه‌های وحشی و صعب‌العبور پا به ارگ حکومتی می‌نهند اصول آن را به سرعت فرا می‌گیرند چنانچه گویی کتاب شهریار نیکولو ماکیاولی را از برکرده، لام تا کامش را به اجرا می‌گذارند. در دوره پیشین حکومت طالبان بر افغانستان شنیدم این گروه در مذاکرات دروغ نمی‌گفتند و از این جهت در میان سیاستمداران دنیا مضحکه می‌شدند! ولی حالا کم‌کم امتیاز می‌دهند، امتیاز می‌گیرند، به درمی‌زنند که دیوار بفهمد و چراغ راهنمای چپ را روشن می‌کنند و به راست می‌پیچند! با چین کافر چون قدرت دارد و هم‌مرز هم هستند به مراوده روی می‌آورند ولی با برخی از کشورهای مسلمان همسایه خود درشتی می‌کنند! موضوع امتناع طالبان از دادن حقابۀ ایران از رودخانه هیرمند و درگیری مرزی روز شنبه احتمالاً نشان می‌دهد که این گروه اولین آموزه‌های سیاسی خود را در مورد ایران به اجرا می‌گذارد! آنان در شرایط عادی حتی مشورت‌گیران خوبی نیستند و گاهی با تمرد از سازمان اطلاعات پاکستان «ای‌اس‌ای» نشان می‌دهند که می‌خواهند در بازی‌های منطقه‌ای از امتیاز بی‌قاعدۀ بودن، به قول خودشان حریف را خائف کنند. اگر مسوولان ما نتوانند از پس این گروه برآیند و بدون هزینه آنچنانی حقابۀ اهالی سیستان ما را بگیرند و سیاست‌شان کنند باید به مردم پاسخ بدهند که در این 43 سال چه آموخته‌اند؟ واقعیت آن است که طالبان با خیانت امریکا به مردم افغانستان و توافق با او اغلب کشورهای منطقه را غافلگیرکرد و با اینکه جزییات این توافق هنوز هم مشخص نیست ایران را خوشحال کردند که يك پای امریکا از منطقه برداشته شده است! گویا ما چنین حادثه‌ای را چنان مبارك و نافع خود یافتیم که از خطرات حضور يك گروه غیرقابل پیش‌بینی و متعصب که مشروعیت بین‌المللی ندارد غافل شدیم. گروهی که برای ماندن بر اریکه قدرت و کسب حداقلی از مقبولیت جهانی هر کاری از دستش بر می‌آید و ظرفیت عامل شدن برای قدرت‌های جهانی را دارد. مسلماً درگیری با چنین گروهی که فعلاً چیزی برای از دست دادن ندارد و ضربه‌های ناتو و امریکا هم نتوانست سر عقل‌شان بیاورد به صلاح مملکت‌مان نیست. اما راه مماشات هم همیشه

باز نیست، چه بسا مزاحمت فزاینده ایجاد کنند و از آنجا که میدانند ایران تمایل و منافع در جنگ با آنها ندارد از حد بگذرند و خود را مصون از پاسخ شدید ایران تصور کنند.  
به قول حکیم طوس:

مگر شهر کابل نسوزد به ما

چو پژمرده شد برفروزد به ما

چند عامل مهم در گستاخی طالبان وجود دارد که نباید آنها را دستکم گرفت؛ اگر اسراییل توانسته باشد با انواع طرفندها و ارتباطهای مستقیم و غیرمستقیم این گروه را تحت تاثیر خود قرار بدهد بهترین گزینه برای اشتغال ایران هستند و اگر کار ایران با این گروه بالا بگیرد در تل‌آویو جشن برپا میشود. حضور بیش از 5 میلیون افغانستانی در ایران عامل تهدیدکننده دیگری است که نباید آن را از نظر دور داشت. هر چند به نظر میرسد اکثر آنان مخالف یا بی‌اعتنا به طالبان هستند ولی نفوذ این گروه در کسر کوچکی از آنها میتواند امنیت عمومی کشور را حتی به صورت مقطعی هم که شده به چالش بکشد. عامل دیگر مشی و مرام چریکی این گروه و غیرمسئول بودنشان نسبت به منافع افغانستان است. آنها به کشتن و کشته شدن عادت کرده‌اند و عمق استراتژیکی برای درهم کوبیدن ندارند. در خیال‌انگیزترین تصورات فرض کنیم که ایران برود و کابل را بگیرد؛ نهایت اینکه آنها دوباره به کوه‌ها پناه می‌برند و آنقدر در شهرها بمب منفجر می‌کنند و مردم را می‌کشند تا دوباره همه را متقاعد کنند که حضورشان در کابل برای مردم و منطقه امنیت بیشتری به ارمغان می‌آورد. واقعیت آن است که ایران در حساس‌ترین شرایط و کلیدی‌ترین موقعیت فکر مبادا را نکرد و برای خود امتیازی نگه نداشت. ما به چه دلیلی از احمد مسعود و جبهه مقاومت ملی افغانستان حتی به صورت سیاسی حمایت نکردیم و گذاشتیم طالبان به آسانی دره پنجشیر را به تصرف خود درآورد و در مقابل این عدم حمایت چه امتیازی از طالبان گرفتیم؟

چرا سفارت افغانستان را به يك گروه که نماینده همه ملت افغانستان نیست، دادیم و در این کار کدام منفعت را تحصیل کردیم؟ خطر بزرگ این است که با ندانم‌کاری و ضعف تحلیل و محاسبه تصمیم‌گیران، طالبان به يك تهدید جدی و طولانی مدت در شرق کشور مبدل شود. اما سخن اصلی اینکه طالبان هم با همه حقارتی که دارد متوجه مشکلات داخلی ایران شده است و برای مطرح شدن در دنیا و توجه احتمالی غرب و امریکا بخت خود در این زمینه را می‌آزماید. اگر توانست حقا به ایران را ندهد در افکار عمومی افغانستانی‌ها سر و گردنی بالا می‌برد و احتمالا بازی دیگر و شاید خطرناک‌تری را آغاز می‌کند و اگر

نتوانست و مجبور به اجرائی قرارداد فی‌مابین شد چیزی را از دست نداده و آبی را که در بیابان‌ها رها کرده را به ایران می‌دهد و بانگ بر می‌آورد که ما به قراردادها و مناسبات بین‌المللی پایبندیم. چنانچه سیاست‌های ما در داخل و خارج از توازن لازم برخوردار بود و خصوصاً مستحضر به تمایل و اراده ملی بود و اقتصادمان رنجور و بیمار نبود چه بسا طالبان همه افراد خود را بسیج می‌کرد که صف به صف شوند و دبه دبه آب به طرف ایران بریزند تا تهران به کابل اخمی نکند ولی افسوس که سیاستمداران ما ادعایشان گوش فلک را کر می‌کند ولی در عمل يك گروه منفور می‌آید بیخ گوشمان و بدون ترس شلیک می‌کند و جوانی از عزیزانمان را به شهادت می‌رساند.

م: : ۱۴۰۲ ۸ ۱۴۰۲